

مشخصات کتاب شناختی مقاله:

حج اندیشه: هم افزایی فقه و حقوق در تحقق عدالت و تعالی انسان

مجموعه نویسندگان

به کوشش: نعمت الله الفت

قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۶

شابک: 978-964-8092-93-6

یادنامه علمی مهاجر الی الله استادشهاد دکترا حاج ناصر قربان نیا

بن مایه های اندیشه شهروندی در میثاق مدینه

رحیم نوبهار^۱

همان گونه که در یادداشتی دیگر به تفصیل بیشتر آوردم^۲ حس اخلاق گرایی، انسان دوستی و احترام به حقوق بشر و حقوق شهروندی در پندار و کردار استاد فقید دکترا ناصر قربان نیا بسیار عمیق بود. او به لحاظ نظری در این باره از آن دست اندیشمندان بود که می کوشید با پاسداشت سنت و همزمان درک درست و انسانی از آن نشان دهد که اسلام در گوهر ذات خود پدیده ای انسانی و اخلاقی است و در زمینه احترام به کرامت و حرمت انسان از بن مایه های ژرف و استواری برخوردار است. این نوشتار را - که با همین دیدگاه همسو است - به او تقدیم می کنم و برایش از خداوند مهربان برترین رحمت ها و پاداش ها را می طلبم.

چکیده: این مقاله با مروری بر میثاق مدینه که در آغازین سال های ورود پیامبر(ص) به مدینه میان مسلمانان و قبایل گوناگون عرب و یهودیان یثرب منعقد شد نشان می دهد که شماری از دست مایه های بنیادین حقوق شهروندی به معنای امروزی آن در این پیمان موجود است. مقاله با اشاره به مواردی مانند تأکید میثاق بر مشارکت همه ساکنان مدینه در اداره مدینه و نواحی اطراف، احترام به پیروان ادیان و عقاید موجود در مدینه بویژه یهودیان که به دلیل موقعیت جغرافیایی زیستگاهشان با مسلمانان تعامل بیشتری داشتند، اعتماد متقابل به پیروان ادیان در عالی ترین سطح مانند همیاری برای دفاع از کیان مدینه استدلال می کند که آموزه های دینی نه تنها شهروندستیز نیست که به اندیشه شهروندی دامن می زند. مقاله از این اندیشه حمایت می کند که دیدگاه اسلامی اغلب از

r-nobahar@sbu.ac.ir

^۱. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

^۲. ر.ک: نوبهار، رحیم، "برای قربانی کوی منا، دکترا ناصر قربان نیا"، مجله سخن ما (ماهنامه سیاسی و فرهنگی)، دی و بهمن ۱۳۹۴، ص ۹۲.

مفاهیم شهروندی به معنای عمیق، فضیلت‌مندانه و مسئولانه آن حمایت می‌کند. این رویکرد حمایتی را البته می‌توان در سایه تحولات زمان و مکان توسعه داد.

واژه‌های کلیدی: شهروندی، اسلام، پیامبر(ص)، میثاق مدینه، حقوق بشر.

مقدمه

در مشرق زمین عموماً و کشور ما هم به سهم خود شماری از اندیشمندان برآنند که پدیده‌هایی مانند حقوق بشر و حقوق شهروندی، ریشه و ردّ پایی در سنت و تمدن‌های پیشین ندارد؛ به نظر اینان حقوق بشر و حقوق شهروندی یکسره محصول عصر مدرن و دوره عقلانیت و انسان‌گرایی زمانه جدید است. در مغرب‌زمین البته بیشتر اندیشمندان این دیدگاه را برنمی‌تابند. بسیاری می‌کوشند تا ریشه‌های حقوق بشر و شهروندی را در آتن و رم جستجو کنند و تکامل و بلوغ آن را در دوران مدرن تبیین کنند.^۳ در مشرق زمین اما برای ردیابی این مفاهیم در فرهنگ‌ها و تمدن‌های شرقی کمتر تلاش شده است. بویژه برای دستیابی به بن‌مایه‌های مفاهیمی مانند حقوق بشر، حقوق شهروندی، حکومت قانون و مردم‌سالاری در سنت اسلامی تلاش‌های کمی صورت گرفته است؛ هرچند کوشش‌های نواندیشان مسلمان را که گاه نتایج آن فرخنده و اثرگذار بوده است نمی‌توان قدر نهاد.

از جمله اسناد اسلامی که به نظر می‌رسد از بن‌مایه‌های ژرفی در زمینه حقوق شهروندی برخوردار است میثاق مدینه است که میان پیامبر(ص) و قبایل و گروه‌های موجود در مدینه منعقد شد. بنا بر رأی این پیمان پنج ماه پس از حضور پیامبر(ص) در مدینه میان آن حضرت و طرف‌های آن امضا شد.^۴ بسیاری از سیره‌نویسان و تاریخ‌نویسان مسلمان این سند تاریخی را نقل کرده‌اند.^۵ در مجموع، ارزش و اعتبار میثاق مدینه به لحاظ سندی از بسیاری دیگر از متونی که برای استنباط احکام شریعت بدان‌ها استناد می‌شد کمتر نیست.^۶ در این باره تفاوتی نمی‌کند که آن‌گونه که بیشتر محققان معتقدند این پیمان یک سند یک‌پارچه باشد یا سندی باشد که بخش‌هایی از مفاد آن رفته‌رفته با الحاق اقوام و قبایل گوناگون به پیمان توسط پیامبر(ص) و طرف‌های پیمان تکمیل شده باشد.^۷

توجه به فضا و زمینه‌ای که این منشور در آن تدوین شده است می‌تواند برای درک بهتر محتوا و مضمون آن سودمند باشد. این منشور در ابتدای ورود پیامبر(ص) به مدینه که آن حضرت و جامعه مسلمانان هنوز در موضع قدرت نبودند مورد توافق طرف‌های مربوط قرار گرفت؛ گرچه این وضعیت می‌تواند با رویکردی بدبینانه این‌گونه تفسیر و تعبیر شود که علت مدارا و نرمش با قبایل و پیروان دیگر ادیان قراردادداشتن

³. See Faulks, Keith, *Citizenship*, Routledge, USA & Canada, 2000, pp. 14-28.

^۴. نک: احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول(ص)، ج ۳، ص ۱۱، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۹۹۸م.
^۵. برای آشنایی با بخشی از منابعی که این پیمان نامه را ذکر کرده‌اند نک: حمیدالله، محمد، مجموعه الوثائق السياسية، صص ۵۹-۵۷، دار النفائس، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۵/۱۹۸۵م؛ همچنین: احمدی میانجی، علی، پیشین، ج ۳، ص ۶.

^۶. برای ملاحظه بحثی سندشناسانه در باره میثاق مدینه نک: المطیری، حاکم عیسان، "صحیفه المدینه بین الاتصال والارسال"، جلد ۲، شماره ۸۸، مارس ۲۰۱۲. همچنین: احمدی میانجی، علی، پیشین، ج ۳، ص ۷.

^۷. برای ملاحظه بحثی در این باره نک: احمدی میانجی، علی، پیشین، ج ۳، ص ۱۴.

مسلمانان در موضع ضعف بوده است، اما اختیارات تعیین کننده‌ای که در این پیمان به محمد(ص) داده شده و از جمله آن حضرت به عنوان داور بی چون و چرای حل اختلافات احتمالی تعیین شده این گمانه‌زنی را رد می‌کند؛ واگذاری این اختیار با توجه به این واقعیت که پیامبر(ص) و مسلمانان در موضع اقتدار هم نبوده‌اند نشان از آن دارد که طرفهای معاهده به پیامبر(ص) اعتماد داشته‌اند. در واقع، این ویژگی‌های شخصیتی پیامبر(ص) بود که اعتماد امضاکنندگان پیمان را جلب کرد و نه اقتدار سیاسی آن حضرت.

از چشم‌انداز روش‌شناسی نیز مطالعه این سند و موارد مشابه آن - که کم نیست - بسیار درخور توجه است. با گذشت زمان و تقسیم متون و گزارش‌های مربوط به سنت پیامبر(ص) به روایات فقهی و تاریخی، گزارش‌های تاریخی تا حدود زیادی به حاشیه رانده شده‌اند و در استنباط‌های فقهی چندان که باید به آنها بها داده نمی‌شود. درست است که شمار گزارش‌های تاریخی مجهول و غیرقابل اعتماد درباره ابعاد گوناگون سیره پیامبر(ص) کم نیست؛ اما بسیاری از گزارش‌های تاریخی هم معتبرند و به سهم خود می‌توانند به درک درست سنت پیامبر(ص) و تفسیر و تبیین روایات فقهی کمک کنند. به هر رو این مقاله نخست مفاهیم بنیادین اندیشه شهروندی را به طور گذرا مرور می‌کند و سپس به شماری از آموزه‌ها و دست‌مایه‌های حقوق شهروندی می‌پردازد که به نظر می‌رسد در میثاق مدینه وجود دارد.

۱. مروری بر مفاهیم بنیادین شهروندی

ایده شهروندی اصولاً بر کرامت انسان‌ها تکیه می‌کند ولی همزمان به بستر و بافتی که افراد در آن زندگی می‌کنند نیز نظر داد.^۸ بدین سان مفهوم شهروندی به نوعی به فرد و جامعه توجه همزمان دارد. حتی گفته می‌شود شهروندی مفهومی بیشتر اجتماعی است تا فردی. مفهوم شهروندی ذاتاً برابری خواهانه است.^۹ شهروندی بر مشارکت افراد در بهبود وضعیت در جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنند تاکید می‌کند و به نوعی یادآور مسئولیت انسان در برابر جامعه است. شهروندی نشان از آن دارد که سبک و شیوه زندگی پیشتر توسط عواملی مانند نژاد، مذهب، طبقه، و جنسیت تعیین نشده است؛ بلکه افراد خود قادرند در باره انتخاب شیوه زندگی خویش تصمیم بگیرند.^{۱۰} موقعیت شهروندی مبتنی است بر احساس عضویت در یک جامعه. شهروندی با تابعیت متفاوت است؛ شهروندی فعالانه به دست می‌آید؛ حال آن که تابعیت مفهومی غیرفعال است که برای بسیاری که به طور طبیعی در جامعه‌ای متولد می‌شوند قهراً حاصل می‌شود. در واقع چون شهروندی متضمن حس تعهد در میان اعضای یک جامعه است مبنایی عالی برای اداره امور انسان‌هاست؛ حال آن که تابعیت این ویژگی را ندارد.^{۱۱} شهروندی، هویت‌بخش است؛ هگل گفته است در انسان یک انگیزه سیاسی قوی به نام شناخته شدن وجود دارد و شهروندی این هویت را به انسان می‌بخشد.^{۱۲}

مفهوم شهروندی مردم‌سالارانه هم هست؛ زیرا شهروندی هیچ قدرت مطلقاً را بر نمی‌تابد. شهروندی اصالتاً به فرد مربوط می‌شود، نه گروه. ولی این توان را هم دارد که به اقلیت‌ها نیرو و هویت ببخشد.

8. Faulks, Keith, p. 5.

9. Ibid, p.3.

10. Ibid, p. 4.

۱۱. فالکس، کیث، شهروندی، ترجمه: محمدتقی دلفروز، کویر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۴.

12. Faulks, Keith, supra, p. 4.

قرائت‌ها از مفهوم شهروندی در اندیشه‌های گوناگون یکسان نیست؛ به‌ویژه میان دو مفهوم سطحی و ابتدایی از شهروندی با مفهوم عمیق و پرمایه آن تفاوت وجود دارد. شهروندی در مفهوم سطحی آن بر حق و حق‌مداری شهروندان تأکید می‌کند؛ حال آن که در شهروندی در معنای عمیق آن بر حقوق و مسئولیت‌های متقابل شهروند تأکید می‌شود. حتی گاه ادعا می‌شود اندیشه لیبرال با تأکید بی‌اندازه بر آزادی، ایده شهروندی را تضعیف کرده است.^{۱۳} شهروندی منفعلانه مفهومی است که در گوهر آن از شهروندی استقبال نشده است؛ اعطای شهروندی به افراد برای آرام کردن شورش‌ها و اعتراضات نمونه شهروندی غیرفعال است؛ حال آن که در شهروندی به مفهوم فعال آن به لحاظ انسان‌شناسی دخالت در امور شهر و کشور جزء وظایف ذاتی انسان است. ارسطو سال‌ها پیش گفته است: کسی که در اداره امور جامعه خود دخالت ندارد یا خداست یا حیوان.^{۱۴} شهروندی در مفهوم سطحی خود بیشتر موقعیتی ناظر به قلمرو عمومی است؛ اما شهروندی در معنای عمیق آن قلمروهای خصوصی را هم در بر می‌گیرد. اگر ارزش و فصیلتی مدنی وجود دارد باید هم در قلمرو عمومی و هم در قلمرو خصوصی به آن پایبند بود. اگر مردم‌سالاری فضیلت است نمی‌توان در فضای عمومی از مردم‌سالاری سخن گفت؛ اما در فضاهای خصوصی دیکتاتور بود. در شهروندی به معنای ابتدایی آن تنها بر آزادی از طریق انتخاب تأکید می‌شود؛ اما شهروندی در مفهوم عمیق آن بر آزادی از طریق توسعه فضیلت‌های مدنی تأکید می‌کند. شهروندی در معنای سطحی بیشتر وجه حقوقی دارد؛ اما شهروندی در معنای عمیق، وجه اخلاقی هم دارد. حتی مفهوم برابری حقوقی بیشتر به برابری اخلاقی انسان‌ها ریشه می‌برد. هر قدر ایده سوسیالیستی بر مفهوم مهندسی اجتماعی توسط دولت تأکید می‌کند مفهوم شهروندی بر مشارکت مردم و تعامل دولت-ملت اصرار می‌ورزد.

۲. میثاق مدینه و مشارکت مردم در قانون‌گذاری

در اندیشه شهروندی قانون هر منبعی که داشته باشد از توافق اعضای جامعه بر مفاد آن اعتبار و ارزش اجرایی پیدا می‌کند. میثاق مدینه به روشنی نشانگر این است که پیامبر(ص) نه تنها با قبایل گوناگون مسلمان مدینه که با اقوام و ملت‌های دیگر بر پایه پیمان و تعهد تعامل نمود. در اندیشه شهروندی این ایده بنیادین وجود دارد که مردم حق دارند در قانونی که بنا به فرض شیوه زندگی آنان را مشخص می‌کند، نقش داشته باشند. به این مطلب در ماده ۶ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه تصریح شده است.

میثاق مدینه قانون‌نامه نیست؛ اما ابعادی از زندگی اجتماعی و نوع تعامل قبایل و گروه‌های مهم موجود در مدینه را با یکدیگر مشخص می‌کند. آنچه این وجه را بیشتر تقویت می‌کند، این واقعیت است که مفاد میثاق، پیمان ضمنی یا نانوشته نیست؛ تعهدی است که طرف‌های درگیر در مسأله در مورد آن به توافق رسیدند و آن را امضا نمودند. پیمان با این جمله آغاز می‌شود که: این نوشته‌ای است میان محمد نبی و مؤمنان و مسلمانان از قریش و یثرب و هر کسی از آنان پیروی کند و به آنان ملحق شود و در کنار آنان جهاد کند.^{۱۵}

13. Ibid, p. 56.

14. Ibid. p. 17.

15. هذا کتاب من محمد النبى بين المؤمنین و المسلمین من قریش و [اهل یثرب] و من تبعهم فلحق بهم و جاهد معهم. (حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۵۹).

می‌دانیم که برخلاف حقوق بشر که در آن انسان از آن رو که انسان است مورد توجه است، در حقوق شهروندی وابستگی به یک جغرافیای سیاسی و دولت یا شبه‌دولت است که مبنای برخورداری از حقوق و البته مسئول قلمداد شدن قرار می‌گیرد.^{۱۶} در میثاق مدینه هم گروه‌ها و قبایل گوناگون با رویکردها و حتی ادیان مختلف گرد هم آمدند تا از موجودیت مدینه که اکنون یکی از پایگاه‌های اصلی زیست مسلمانان و غیرمسلمانان است محافظت کنند. کسانی که این پیمان را امضا کنند امتی واحد در برابر کسانی که خارج از پیمان هستند قلمداد می‌شوند.^{۱۷}

این پیمان به لحاظ مفهومی که از امت به دست می‌دهد بسیار تأمل‌برانگیز است. شوربختانه مفهوم امت و امت اسلامی سال‌ها دست‌مایه‌ای برای جدایی مسلمانان از غیرمسلمانان بوده و هست. بسیاری مفهوم امت را به ابزاری برای ستیز مسلمانان با غیرمسلمانان تبدیل کرده‌اند. این در حالی است که در میثاق مدینه که در آغازین روزهای ورود پیامبر(ص) به مدینه نوشته شده است همه کسانی که در یک سرزمین زیست می‌کنند و در چارچوبی به تعامل و همکاری با یکدیگر پایبند می‌مانند یک امت قلمداد شده‌اند. بدین‌سان با اذعان به این که نهاد تابعیت تا اندازه زیادی از لوازم دولت-ملت مدرن است می‌توان بن‌مایه‌های مفهومی آن را در میثاق مدینه هم شناسایی کرد.

باری مردمانی که در یک قلمرو جغرافیایی زیست می‌کنند و خداوند آنان را در آن سرزمین حیات بخشیده است گویی نوعی حق و ارتباط ویژه حقوقی با آن سرزمین پیدا می‌کنند. آنان حتی اگر مالک مشاع آن سرزمین نباشند نوعی حق تقدم بر دیگران دارند و شایسته و محقند که آن سرزمین را آباد کنند و بسازند. نام این ارتباط و پیوند هرچه باشد آثاری حقوقی دارد. نمی‌توان مردم را از سرزمینی که در آن به دنیا آمده‌اند بیرون راند یا از حق سکنی و مدیریت آن محروم نمود. تحلیل چپستی این حق و اولویت، از نظرگاه اسلامی می‌تواند بسیار الهام‌بخش و آموزنده باشد. بویژه این پیمان از این منظر می‌تواند در نقد اندیشه کسانی که همچنان اصرار دارند که یگانه مبنای زیست جمعی مسلمانان با غیر مسلمانان عقیده و ایمان است بسیار سودمند باشد. همچنان که از بندهای متعدد پیمان آشکارا برمی‌آید بویژه مشارکت در دفاع از موجودیت سرزمین و حیات کسانی که در محیط مدینه زیست می‌کنند بسیار تعیین‌کننده است. در جای جای میثاق تأکید شده است که طرف‌های گوناگون پیمان متعهد می‌شوند تا از موجودیت شهری که در آن زیست می‌کنند دفاع کنند.

۳. اندیشه مدارا و تنوع دینی-مذهبی در میثاق مدینه

به وارونه آنچه گاه پنداشته می‌شود که اسلام مبنای هر گونه تسالم و همزیستی را دین‌داری و آن هم مسلمان بودن می‌داند، میثاق مدینه آشکارا گواهی می‌دهد که وحدت دینی و مذهبی، یگانه عنصر وحدت‌بخش برای یک زیست انسانی و مسالمت-جویانه نیست؛ مشترکات، مصالح و منافع دیگری هم وجود دارد که پیروان ادیان و عقاید گوناگون می‌توانند بر محور آن گرد هم آیند. در این میثاق قبایل گوناگون یهود یکی از طرف‌های پیمان هستند و

¹⁶. Faulks, Keith, *Supra*, p. 107.

¹⁷. انهم امة واحدة من دون الناس (حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۶۱). به نظر می‌رسد مقصود از ناس در این پیمان همان مشرکان قریش یا گروه‌هایی هستند که در عمل با مسلمانان مدینه در حال جنگ و ستیز بوده‌اند.

همزمان برابر این پیمان یهودیان دین خود را خواهند داشت و مسلمانان دین خود را. به تصریح این پیمان یهود بنی عوف همچون بسیاری دیگر از قبایل یهود که از طرف‌های این پیمان هستند هم یک امت‌اند و هم در کنار مؤمنان خواهند بود. یهودیان دین خود را خواهند داشت و مسلمانان هم دین خود را.^{۱۸}

این‌که مقصود از یهودیانی که در این پیمان ذکر شده‌اند کیست؛ چندان اهمیتی ندارد؛ خواه مقصود آن گونه که مشهور است، طوایف معروف یهودیان مدینه باشد یا گروهی از انصار که با یهودیان پیوند داشتند و به کیش یهودیت در آمده بودند،^{۱۹} در هر حال متن پیمان آشکارا بر مدارای دینی با پیروان دیگر ادیان دلالت می‌کند.

علت این‌که در این پیمان‌نامه نامی از مسیحیان برده نشده این واقعیت است که آنان طرف این پیمان نبودند. مسیحیان عمدتاً در نواحی جنوبی شبه جزیره عربستان زندگی می‌کردند؛ آنان در پیمان مدینه از طرف‌های قرارداد نبودند تا لازم یا مناسب باشد به آزادی دینی آنان هم تصریح شود. بعدها در پیمان‌نامه‌هایی که میان پیامبر(ص) و مسیحیان نجران منعقد شد تأکید شد که: سرزمین نجران و نواحی پیرامون آن در پناه خداوند است و محمد پیامبر رسول خدا نسبت به مال، جان، دین و غایب و حاضر و خویشاوندان آنها و پرستشگاه‌های آنان و تمام آنچه در اختیار آنان از کم و زیاد هست متعهد و مسئول خواهد بود و هیچ اسقف یا راهب یا کاهنی از موقعیت و مقام خود عزل نمی‌شود.^{۲۰}

حتی از برخی بندهای پیمان بر می‌آید که دست کم برخی مشرکان هم به نوعی از طرف‌های متعهد به این پیمان بوده‌اند و متعهد بوده‌اند که جان و مال مشرکانان قریش را در امان خویش قرار ندهند.^{۲۱} این البته از آن روی بود که قریش همان گونه که بعدها در جریان بدر و احد در عمل نشان دادند با پیامبر(ص) و مسلمان در حال جنگ بودند.

رفتار پیامبر(ص) در زمینه احترام به ادیان دیگر نشانگر آن است که در یک جامعه متنوع باید به احوال شخصی و مذهبی اقوام و ملل گوناگون احترام نهاد. بویژه آنگاه که این امر در قالب پیمان پذیرفته شده باشد. همچنان که در زمان ما هم مبنای زیست جمعی پیروان ادیان و مذاهب گوناگون با یکدیگر رعایت احترام متقابل است. بر این اصل معمولاً در قوانین اساسی کشورها که پیمان‌نامه و میثاق ملت‌هاست تأکید می‌شود.

۴. جایگاه اصل صحت و اعتماد شهروندی در میثاق مدینه

شهروند همان‌گونه که مسئولیت دارد از کیان جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند حمایت کند حق دارد که مورد اعتماد قرار بگیرد و در چارچوبی که ایفای نقش می‌کند امین و معتمد قلمداد شود. زندگی عمومی

^{۱۸}. و آن یهود بنی عوف امه مع المؤمنین. لليهود دینهم و للمسلمین دینهم. (حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۶۱، بند ۲۵ پیمان).

^{۱۹}. برای ملاحظه شواهد دو دیدگاه در این باره نک: احمدی میانجی، علی، پیشین، ج ۳، ص ۹ و ۱۴.

^{۲۰}. و لنجران و حاشیتهای جوار الله و ذمه محمد النبی رسول الله علی أموالهم و أنفسهم و ملتهم و غائبهم و شاهدهم و عشیرتهم و بیعهم و کل ما تحت ایدیهم من قلیل او کثیر. لا یغیر اسقف من أسقفیته و لا راهب من رهبانیته و لا کاهن من کهانته (حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۱۷۴؛ همچنین نک: ص ۱۷۹-۱۷۸).

^{۲۱}. و أنه لا یجیر مشرک مالا لقریش و لا نفساً. (حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۶۰).

انسان و فعالیت‌های او در عرصه عمومی و زمینه‌سازی برای امکان زیست جمعی بسیار با اهمیت است. احترام به این که آدمیان در عرصه خصوصی آزادی‌هایی داشته باشند مهم است؛ اما مهم‌تر از آن، احترام به فعالیت‌های انسان‌ها در عرصه عمومی است.

برابر بندهای متعددی از میثاق مدینه، یهودیان متعهد بودند که در کنار مسلمانان و پیامبر(ص) از موجودیت مدینه در برابر تهاجم دشمن دفاع کنند و سهم خود را هم از هزینه‌های دفاعی بپردازند.^{۲۲} وقتی از کسی یا گروهی تا این اندازه انتظار مساعدت و همیاری می‌رود باید با او بر پایه اصل صحت و اعتماد رفتار کرد. در فقه اسلامی از قاعده‌ای با عنوان قاعده یا اصل صحت سخن گفته می‌شود.^{۲۳} برابر این قاعده، سخن و عمل مسلمان متعارف را باید بر وجه صحیح آن، تفسیر و تعبیر کرد. یکی از پرسش‌ها در باره مفاد این قاعده این است که آیا گستره اجرای اصل صحت به مسلمانان اختصاص دارد یا آن که می‌توان مفاد آن را در مورد هر فرد متعارفی از هر کیش و آیینی جاری دانست. دیدگاهی که صحیح به نظر می‌رسد این است که این قاعده خود قاعده‌ای عقلایی است؛ عقلای جهان در تعامل با یکدیگر تا گاهی که رفتار غیرمتعارف از کسی سرزده است بنا را بر درستی رفتارها و سخنان او می‌گذارند.^{۲۴} اتفاقاً استوارترین دلیل بر اعتبار این قاعده همین بنا و روش عقلا و خردمندان است. بنابراین درست نیست که این اصل جهانی و عقلایی را تنها در خصوص رفتار و گفتار مسلمان به کار ببریم. با این حال اگر بنا باشد برای اثبات این مطلب به متون و ادله نقلی استناد کنیم میثاق مدینه شاهدهی روشن است بر این که به پیروان ادیان دیگر هم می‌توان اعتماد کرد. بویژه این که موضوعی که در میثاق مدینه پیامبر(ص) و مسلمانان در مورد آن با غیرمسلمانان(یهودیان) اعتماد کرده‌اند مهم‌ترین و حساس‌ترین امر اجتماعی یعنی پیمان و همکاری مشترک در امور دفاعی بوده است.

باری عدم اعتماد به شهروندان اقلیت و نگاه تردیدآمیز به آنان با روح و گوهر شهروندی ناسازگار است. این نگرش افزون بر آن که در مواردی، موهن و ناسازگار با کرامت انسانی است، می‌تواند پیامدهای اجتماعی سخت نامطلوبی داشته باشد. در این صورت وحدت اجتماعی لازم میان پیروان ادیان و مذاهب پدید نمی‌آید و همگنی و همدلی میان افراد جامعه رخ نخواهد داد. هیچ دلیل و شاهدهی در اختیار نیست که چنین مضامین و رویکردهایی در پیمان مدینه را بر وجه اضطرار و ضرورت حمل کنیم. اتفاقاً آرمان نهایی پیامبر(ص) ایجاد و توسعه همین روح

^{۲۲} و آن علی الیهود نفقتهم و علی المسلمین نفقتهم(حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۶۲، بند ۶۹).

^{۲۳} نک: بجنوردی، میرزا حسن، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۳۹، اسماعیلیان، قم، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش/۱۴۱۳ ق. برای ملاحظه دیدگاهی که کلیت و عمومیت این قاعده را جز در موارد خاص نفی می‌کند نک: نراقی، احمد، عوائد الایام، ص ۲۲۱، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

^{۲۴} این اصل معمولاً با عنوان The Principle of Trust شناخته می‌شود. این اصل هم در سطح امور تجاری و مالی و هم در سطح امر اجتماعی مطرح است. برای آشنایی با این مفهوم در هر یک از این دو زمینه به ترتیب نک:

Virgo, Graham, The Principles of Equity & Trusts, Oxford University Press, 2012, p.40, Newton, Kenneth, Trust, "Social Capitan, Civil Society, and Democracy, International Political Science Review", Volume 22, Issue 2, April 2001, pp. 201-214.

همبستگی و پیوستگی و تعاون و در واقع، شهروندی به معنای عمیق آن بود. هرچند متأسفانه یهودیان بعدها این گونه پیمان‌های نوشته و نانوشته را نقض کردند و به راهی دیگر رفتند؛ امری که گاه نتایجی به بار آورد که پیامبر(ص) تنها از سر ضرورت و اضطرار به آن‌ها تن داد. اتفاقاً اهمیت میثاق مدینه و نقش مؤثر آن در استنباط احکام شرعی همین واقعیت است که آن‌ها در شرایط و فضای تسالم و غیرجنگی تدوین شده‌اند و بهتر از متن‌هایی که در فضای جنگ و درگیری تدوین شده‌اند اهداف نهایی و آرمان‌های صلح‌جویانه پیامبر(ص) را نشان می‌دهند.

۵. منشور مدینه و مدارای دینی و فرهنگی

وجه دیگری از احترام به اندیشه شهروندی و تنوع اجتماعی در پیمان مدینه احترام به توافق‌های خاص دو یا چندجانبه حقوقی بود که میان قبایل و گروه‌های گوناگون پیش از اسلام و ورود پیامبر(ص) به مدینه وجود داشت. پیامبر(ص) هیچگاه با رویکرد اقتدارگرایی و یکسان‌سازی جامعه بر آن نبود که در این پیمان‌نامه‌ها مداخله کند. نظام پرداخت دیه در جامعه قبایلی آن روز که درگیری‌ها و قتل و کشتار فراوان بود بسیار بااهمیت بود. در متن پیمان پیوسته تأکید شده است که نظام پرداخت دیه و نحوه جبران خسارت‌های ناشی از قتل یا جرح میان قبایل و گروه‌های گوناگون به همان گونه‌ای باقی خواهد ماند که افراد خود پیشتر بر آن توافق کرده بودند. پیامبر(ص) در مورد نظام پرداخت فدیة و آزادسازی اسیران نیز همین سیاست را پیشه کرد. در جای جای پیمان تصریح شده است که قبایل گوناگون بر مبنای قسط و عرف فدیة اسیران خود را خواهند پرداخت.^{۲۵}

این امر از نظرگاهی دیگر بیانگر این اصل خردمندانه است که نباید سنت‌های پیشین را که با گذر زمان شکل گرفته‌اند به طور ناگهانی دگرگون ساخت. باید در برابر خرده فرهنگ‌ها و سنت‌های گوناگون در جامعه مدارا نشان داد؛ به سنت‌ها و رویه‌های فرهنگی اقوام و دسته‌های گوناگون احترام نهاد و از روحیه همسان‌سازی همگان و همه چیز پرهیز کرد.

۶. اصل خیرخواهی و نیکوکاری

بی‌گمان اصل نصیحت و خیرخواهی و نیکوکاری آن‌گاه که همچون اصلی عام و فراتر از عقاید و اندیشه‌های مذهبی بر روابط میان افراد جامعه حاکم باشد به روح برابری و همزیستی مسالمت‌آمیز دامن می‌زند. این کمترین چیزی است که از هر شهروند مسئولی انتظار می‌رود. می‌دانیم که شهروندی در معنای عمیق آن به سطح روابط حقوقی و قانونی محدود نمی‌شود بلکه قلمرو اخلاق را هم در بر می‌گیرد. برابری قانونی آن‌گاه استوار و ارجمندتر خواهد بود که به سطح برابری اخلاقی و فضیلت‌مندانه و توسعه ارزش‌هایی مانند نوع‌دوستی و خیرخواهی هم سرایت پیدا کند. در متن میثاق مدینه افزون بر عنصر همیاری تأکید شده است که اصل حاکم بر روابط یهودیان و

^{۲۵} عبارت: و کل طائفه تغدی عانیها بالمعروف والقسط بین المؤمنین در مورد بسیاری از قبایل طرف پیمان تکرار شده است. (نک: حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۵۹ و ۶۰).

مسلمانان اصل خیرخواهی و نیکوکاری است، نه گناه و تعدی.^{۲۶} بی‌گمان خیرخواهی و نیکوکاری در حق هم‌نوعان و هموطنان درون‌مایه شهروندی به معنای عمیق آن است. زیست برادرانه و خیرخواهانه با یکدیگر انبوهی از مفاهیم شهروندی فضیلت‌گرایانه را با خود به همراه خواهد داشت.

۷. بن‌مایه های صلح و همزیستی شهروندی در میثاق مدینه

مفهوم شهروندی مفهومی عدالت‌خواهانه و ظلم‌ستیز است؛^{۲۷} اما هم‌زمان صلح‌طلبانه هم هست. شهروندی آنگاه که به روابط درون اجتماع نظر دارد بیشتر به مفهوم همبستگی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل نظر دارد؛ اما آن‌گاه که به روابط یک جامعه با جامعه دیگر نظر دارد اغلب صلح‌طلبانه است. کرامت انسان که بنیاد شهروندی است به طور ضمنی این مفهوم را به ایده شهروندی تزریق می‌کند. بویژه اگر فرهنگی که ایده شهروندی بر آن مبتنی است جهان‌شمول و انسان‌گرا باشد، شهروندی دست‌مایه‌های صلح‌طلبی را با خود به همراه خواهد داشت.

میثاق مدینه از این منظر از جهات گوناگون صلح‌طلبانه است؛ نخست، هدف اصلی میثاق، حمایت از مردم و مدینه در برابر تعرضات احتمالی دشمن است؛ تعرضاتی که البته بعدها متأسفانه صورت عملی به خود گرفت و در عمل مدینه از سوی دشمنان پیامبر(ص) و مسلمانان مورد تعرض قرار گرفت. این پیمان، پیمان مشترک تهاجم و حمله به هیچ‌کس و هیچ‌جا نبود. بر دفاعی بودن پیمان مدینه شواهد زیادی از متن آن گواهی می‌دهد. در بند ۳۷ این پیمان‌نامه آمده است که: یهودیان مخارج [جنگی] خود را می‌پردازند و مسلمانان هم مخارج [جنگی] خود را. عهد میان آنان کمک و همیاری علیه کسی است که با اهل این پیمان بجنگد.^{۲۸} در بند ۴۴ هم آمده است که: تعهد میان طرف‌هایی که این مکتوب را امضا کرده‌اند این است که یکدیگر را علیه کسانی که به مدینه هجوم ببرند، یاری دهند.^{۲۹} می‌بینیم که لحن و آهنگ پیمان کاملاً صلح‌جویانه است.

دوم؛ پذیرش دعوت به صلح و مصالحه یکی دیگر از اندیشه‌های درخشان صلح‌طلبانه این پیمان است. برابر بند ۴۵ این پیمان: هر گاه یهودیان به صلحی فراخوانده شوند باید آماده مصالحه باشند؛ نیز آنان این حق را دارند که طرف مقابل را به صلح و مصالحه فراخوانند؛ این حقی برای آنان علیه مؤمنان است مگر در مواردی که کسی با دین جنگیده باشد.^{۳۰} بدین‌سان گزاف نیست اگر گفته شود روح صلح‌طلبی و حُسن همجواری بر این پیمان چیره است.

^{۲۶} و ان علی الیهود نفقتهم و علی المسلمین نفقتهم و ان بینهم النصر علی من حارب اهل هذه الصفیحة و ان بینهم النصیح و النصیحة و البر دون الإثم. (حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۶۲).

^{۲۷} به موجب ماده ۲ اعلامیه فرانسوی حقوق بشر و شهروندی (۱۷۸۹): هدف هر اجتماع سیاسی صیانت از حقوق طبیعی و غیرقابل اسقاط بشری است. این حقوق عبارتند از: آزادی، مالکیت، امنیت و ایستادگی در برابر ستم. [اعلامیه حقوق بشر و شهروندی (۱۷۸۹)]، ترجمه فریدون مجلسی، در: دایره المعارف دموکراسی، زیر نظر: سیمور مارتین لیپست، ترجمه به فارسی به سرپرستی: کامران فانی و نورالله مرادی، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳، صص ۱۲۸۹-۱۲۹۰].

^{۲۸} و ان علی الیهود نفقتهم و علی المسلمین نفقتهم و ان بینهم النصر علی من حارب اهل هذه الصفیحة. (حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۶۲)

^{۲۹} و ان بینهم النصر علی من دهم بیثرت (همان، ص ۶۲)

^{۳۰} حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۶۲.

۸. آموزه‌های برابری جویانه در میثاق مدینه

برابری در ایده شهروندی بویژه به معنای مدرن آن مفهومی بنیادین است. گفته می‌شود مساوات‌گرایی از ذاتیات ایده شهروندی است.^{۳۱} هم برابری قانونی و هم برابری در پیشگاه قانون نقش محوری در ایده شهروندی ایفا می‌کند. برابر برخی از مواد میثاق مدینه موالیان یهود همچون خود یهود از همه حمایت‌های موجود در این پیمان برخوردارند. با آن که در آن جامعه اصولاً موالیان به گونه‌ای شهروند درجه دوم تلقی می‌شدند تلاش شده است تا بر حمایت‌های ضروری از آنان تأکید شود. برابر بند ۴۶ میثاق مدینه هم خود یهودیان اوس و هم موالیان آن‌ها از تمام امتیازات مذکور در این پیمان‌نامه برخوردار خواهند بود و با آن‌ها بر پایه نیکوکاری صرف رفتار خواهد شد.^{۳۲} به همین ترتیب در پیمان تأکید شده است که: کسانی که توسط طرف‌های پیمان پناه داده شوند تا گاهی که مرتکب اضرار و تعرض به دیگران نشده باشند از حمایت‌های مذکور در پیمان برخوردارند.^{۳۳} این امر از یک سو نشانگر اوج اعتماد به شهروندان است؛ زیرا آنها می‌توانستند به کسانی پناه دهند و آنان را از حمایت‌های پیمان بهره‌مند سازند.

۹. میثاق مدینه و نظام رسیدگی به دعاوی و اختلاف‌ها

بی‌گمان حق بر دسترسی به دادگاه و برخورداری از قضاوت منصفانه در شمار مفاهیم اساسی در ایده شهروندی است. حتی گفته می‌شود در امپراطوری رُم شهروندی قبل از هر چیز و تقریباً به طور انحصاری به معنای بهره‌مندی از چیزی بود که می‌توان آن را حق دادرسی قضایی نامید. برای اکثریت عظیم شهروندان رم شهروندی به یک محافظت قضایی^{۳۴} تنزل یافته بود.^{۳۵}

در دو فراز از میثاق مدینه بر مرجعیت محمد(ص) برای رسیدگی به اختلافات احتمالی میان طرف‌های پیمان تأکید شده است. در فراز ۲۳ که ناظر به بیان حقوق و مسئولیت‌های مسلمانان است آمده است که: مرجع رسیدگی به اختلافات خداوند و محمد است.^{۳۶}

در بند ۴۲ که ادامه بیان نوع تعامل متقابل یهودیان و مسلمانان است آمده است که: هر گونه حادثه یا مشاجره‌ای که میان اهل این پیمان رخ دهد و بیم فساد و تباهی نسبت به آن برود، بازگشت آن به خداوند و محمد فرستاده خداوند است و البته خداوند بر درست‌ترین و نیک‌ترین روش و آیینی است که در این پیمان ذکر شده است.^{۳۷}

31. Faulks, Keith, supra, p. 3.

۳۲. و آن یهود الاوس موالیهم و انفسهم علی مثل ما لاهل هذه الصغیره من البر المحض من اهل هذه الصغیره(حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۶۲، بند ۴۶).

۳۳. و آن الجار کالنفس غیر مضار ولا اثم(حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۶۲).

34. Judicial safeguard

35. Faulks, Keith, Supra, p. 19.

۳۶. و انکم مهما اختلفتم قیه من شی فان مرده الی الله و الی محمد.(حمیدالله، محمد، پیشین، ص ۶۱)

۳۷. و انه ما کان بین اهل هذه الصغیره من حدث أو اشتجار یخاف فساد فان مرده الی الله و الی محمد رسول الله و آن الله علی اتقی ما فی هذه الصغیره و ابره.(همان ص ۶۲)

درباره رعایت حق شهروندی دسترسی به محکمه در میثاق مدینه این واقعیت مهم را باید در نظر داشت که طرفهای پیمان با انتخاب و اختیار خود، محمد(ص) را داور حل و فصل اختلافهای احتمالی قرار دادند. این پیمان در آغازین سال ورود پیامبر(ص) به مدینه میان قبایل گوناگون مسلمانان و یهود بسته شد. چنان که گذشت پیامبر(ص) و مسلمانان در آن زمان اقتداری نداشتند که یهودیان و دیگر قبایل هم‌پیمان از سر اکراه و یا ترس به داوری محمد(ص) تن دهند. طرفهای این پیمان خود به اختیار و انتخاب خود نظام رسیدگی به اختلافات موجود در میان خود را سامان دادند. این به معنای آن است که طرفهای این قرارداد خود فعالانه و کنشگرانه در سامان‌دهی چارچوب نظام رسیدگی به حل و فصل اختلافها مشارکت داشتند.

شواهد فراوانی گواهی می‌دهد که پیامبر(ص) هرگز بر آن نبود که نظام واحدی از دادگستری و رسیدگی قضایی را برای مردمانی که در شبه جزیره عربستان می‌زیستند و فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگونی داشتند، تحمیل نماید. نه تنها گزارش‌های تاریخی، که قرآن مجید هم به این مطلب تصریح می‌نماید. حتی قرآن مجید یهودیان را به مراجعه به کتاب خود برای حل و فصل منازعاتشان به نوعی ترغیب می‌نماید.^{۳۸} یک‌بار دیگر این به معنای پذیرش تنوع و تکثر در نظام رسیدگی و دادگستری و قوانین حاکم بود.

نباید از یاد بُرد که هرچند پیامبر(ص) برابر مفاد پیمان شخصاً مسئولیت رسیدگی به اختلافها را بر عهده داشت؛ در جای جای منشور تأکید شده است که بنیاد تعامل در هر زمینه‌ای از جمله داوری در باره اختلافها بر پایه اصولی مانند قسط، تقوی، برّ، صلح و سلم و صدق خواهد بود. بدین‌سان با آن که محور داوری‌ها و قضاوت‌ها برای رسیدگی به اختلافات پیامبر(ص) بود اما این امر می‌بایست کاملاً ضابطه‌مند و برابر معیارهای شناخته‌شده صورت گیرد. به تعبیری این قسط و عدالت بود که معیار حل و فصل اختلافات میان طرفهای پیمان بود. گویی حکومت قانون و ضابطه به نوعی بر حکومت شخص، ترجیح داده شده است. پیامبر(ص) به ظاهر داور بی‌بدیل بود اما آن حضرت هم باید در چارچوب عدالت و انصاف اختلافها را حل و فصل می‌فرمود.

نتیجه

تلاش برای یافتن بن‌مایه‌های حقوق بشر و حقوق شهروندی در اندیشه دینی و سنت اسلامی تلاشی بیهوده نیست. این کوشش هم ضروری و هم پرثمر است. کسی که فارغ از ذهنیت‌های پیشینی منابع اسلامی را مطالعه کند به دست‌مایه‌های ارزشمندی در زمینه حقوق بشر و حقوق شهروندی دست پیدا می‌کند. پیمان مدینه که گاه به مثابه نخستین قانون اساسی در اسلام قلمداد شده است از بن‌مایه‌های انسانی و شهروندی مناسبی برخوردار است. مطالعه پیمان مدینه به روش تحلیلی و تطبیق مضامین آن با مفاهیم امروزی شهروندی نشان می‌دهد که در این پیمان بر برخی مفاهیم بنیادین شهروندی مانند برابری، مشارکت و مسئولیت‌پذیری و حمایت قضایی تأکید شده است. در مواردی نیز جهت‌گیری مضامین پیمان همسو با مفاهیم مرتبط با حقوق شهروندی است. طبیعی است که نباید انتظار داشت اسناد تاریخی از این دست همچون اعلامیه‌های حقوق بشر و شهروندی که در دوران مدرن تدیون شده‌اند سیاهه حقوق یا حقوق

^{۳۸}. مانده(۵): ۴۲ و ۴۳.

تکالیف را به روشنی بیان کنند؛ زیرا این گونه اسناد در فضای تسلط گفتمان حقوق بشر و حقوق شهروندی تدوین نیافته‌اند. همین اندازه که آنان به مفاهیم بنیادین حقوق شهروندی توجه کرده باشند کافی است تا الهام‌بخش ما برای ارتقای حقوق شهروندی باشند. بی‌گمان مضامین و مفاهیم انسانی یادشده در این پیمان را می‌توان و باید در سایه توجه به مقتضیات زمان و مکان و پذیرش بناهای عقلایی و خردمندانه که آموزه‌های دینی صریحاً یا ضمناً آن‌ها را رد نکرده‌اند، ارتقا داد.

منابع

قرآن کریم الف) فارسی

۱. اعلامیه حقوق بشر و شهروندی (۱۷۸۹)، ترجمه فریدون مجلسی، در: دایره المعارف دموکراسی، زیر نظر: سیمور مارتین لیپست، ترجمه به فارسی به سرپرستی: کامران فانی و نورالله مرادی، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳، صص ۱۲۸۹-۱۲۹۰.
۲. فالکس، کیث، شهروندی، ترجمه: محمدتقی دلفروز، کویر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۳. نوبهار، رحیم، "برای قربانی کوی منا، دکتر ناصر قربان‌نیا"، مجله سخن‌ما (ماهنامه سیاسی و فرهنگی)، دی و بهمن ۱۳۹۴، ص ۹۲.

ب) عربی

۴. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول (ص)، ج ۳، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۹۹۸ م.
۵. بجنوردی، میرزا حسن، القواعد الفقهیه، ج ۱، اسماعیلیان، قم، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش/۱۴۱۳ ق.
۶. حمیدالله، محمد، مجموعه الوثائق السياسية، دارالنفائس، بیروت، چاپ پنجم، ۱۹۸۵/۱۴۰۵.
۷. المطیری، حاکم عیسان، "صحیفه المدینه بین الاتصال والارسال"، جلد ۲۷، شماره ۸۸، مارس ۲۰۱۲.
۸. نراقی، احمد، عوائد الایام، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

ج) لاتین

9. Faulks, Keith, Citizenship, Routledge, USA & Canada, 2000.
10. Newton, Kenneth, Trust, "Social Capitan, Civil Society, and Democracy, International Political Science Review", Volume 22, Issue 2, April 2001, pp. 201-214.
11. Virgo, Graham, The Principles of Equity & Trusts, Oxford University Press, 2012.